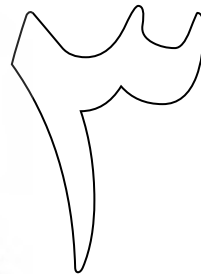


تأثیر حقوق بشر بر روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا

جلیل بیات*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



* کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ تصویب: ۹۶/۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۰۵-۷۹.

چکیده

موضوع حقوق بشر به عنوان یکی از هنجارهای مورد پذیرش نزد اتحادیه اروپا به شمار رفته که رعایت آن به عنوان یکی از پیش شرط های اتحادیه برای تعمیق روابط با طرف ثالث مورد تاکید قرار می گیرد. از این منظر اتحادیه اروپا رعایت حقوق بشر را به عنوان پیش شرط تعمیق روابط و انعقاد قرارداد TCA با ایران قرارداد کرده است. به عبارتی اتحادیه اروپا خواستار آن است که میان رعایت حقوق بشر در ایران و افزایش روابط تجاری با این کشور، یک رابطه مستقیم برقرار کند. لذا این پژوهش سعی دارد رابطه میان این دو متغیر (حقوق بشر و روابط تجاری) در روابط میان ایران و اتحادیه اروپا را در سه دوره تاریخی ریاست جمهوری هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد بررسی کند. سؤال اصلی پژوهش این است: مسئله حقوق بشر در ایران چه تاثیری بر روابط تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا دارد؟ با توجه به آمار تجارت میان ایران و اتحادیه اروپا در سه دوره تاریخی مورد بررسی، فرضیه اصلی چنین است: مسئله حقوق بشر نزد اتحادیه اروپا بیشتر به عنوان ابزاری جهت رسیدن به اهداف سیاسی درباره ایران مطرح است. به عبارتی برخلاف آنچه اتحادیه اروپا ادعا می کند، حقوق بشر رابطه ای مستقیم با روابط اقتصادی برای این اتحادیه ندارد. یافته های پژوهش نشان می دهد در برخی دوره ها که حقوق بشر از دیدگاه اتحادیه اروپا نقض شده است، اتفاقاً روابط تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا افزایش یافته و برعکس.

واژه های کلیدی: ایران، اتحادیه اروپا، حقوق بشر، روابط اقتصادی،

واردات، صادرات

مقدمه

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، اتحادیه اروپا بر پایه اصل آزادی، دموکراسی، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون بنا شده است. سه دهه بعد از معاهده رم، اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر در سیاست خارجی خود نیز اقدامی مهم انجام داد و این موضوع با امضای معاهده اتحادیه اروپا در نوامبر ۱۹۹۳، وارد مرحله اجرایی شد. این معاهده یکی از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مشترک را توسعه و تحکیم دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌داند. لذا به نظر می‌رسد حقوق بشر در هر دو سیاست خارجی و داخلی اتحادیه اروپا نقش مهمی را ایفا می‌نماید (Alston, 2000: 156).

همچنین از اوایل دهه ۹۰ میلادی، جامعه (اتحادیه) اروپایی در موافقت‌نامه‌های همکاری و تجارت دوجانبه‌اش با کشورهای ثالث و موافقت‌نامه‌های مشارکت، بندهای حقوق بشری را نیز گنجانده است (Declaration Concerning Human Rights, 28/29 June 1991). براساس الگوی ارائه شده از سوی شورای وزیران مصوب ماه می ۱۹۹۵، رعایت حقوق بشر و اصول دموکراتیک، محور سیاست‌های داخلی و خارجی طرف‌های قرارداد و بخش اساسی هر موافقت‌نامه با کشورهای ثالث خواهد بود. علاوه بر این، معاهده آمستردام که از اول می سال ۱۹۹۷ اجرایی شده است، سازوکاری را برای تحریم کشورهای که مرتکب نقض جدی و مستمر حقوق بشر می‌شوند، توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپایی برقرار کرده است. این سازوکار توسط معاهده نیس که در دسامبر ۲۰۰۰ منعقد شد، بیش از پیش مستحکم شد (گلشن‌پژوه و خطیبی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵).

از سوی دیگر، پس از روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور ایران و پایان جنگ اول خلیج فارس، روابط ایران و اتحادیه اروپا رو به بهبودی گذاشت. در این بین گفت‌وگوهایی بین دوطرف شکل گرفت که به گفت‌وگوهای انتقادی مشهور است. در این گفت‌وگوها موضوع رعایت حقوق بشر همواره به عنوان یکی از موضوعات اساسی مورد بحث بوده است. حتی پس از روی کار آمدن خاتمی و تبدیل گفت‌وگوهای انتقادی به گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر، موضوع حقوق بشر و رعایت آن از سوی ایران همواره از مسائل چالش برانگیز میان دوطرف بود، تا جایی که در این مقطع، اتحادیه اروپا تداوم گفت‌وگوها و تعمیق روابط اقتصادی میان اتحادیه و ایران را منوط به رعایت و حفظ حقوق بشر از سوی ایران کرد.

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و چرخش سیاست خارجی ایران از اروپا به امریکای لاتین، روابط سیاسی میان ایران و اتحادیه اروپا کاهش یافت. با این حال در این دوره نیز مسئله حقوق بشر در ایران همواره مورد تاکید و اعتراض اتحادیه اروپا بود. این که متغیر حقوق بشر چه تاثیری در روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا داشته است، موضوع این پژوهش را شکل می‌دهد. لذا سؤال اصلی این پژوهش این است: مسئله حقوق بشر در ایران چه تاثیری بر روابط تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا دارد؟ با توجه به آمار تجارت میان ایران و اتحادیه اروپا در سه دوره تاریخی مورد بررسی، فرضیه اصلی چنین است: مسئله حقوق بشر نزد اتحادیه اروپا بیشتر به عنوان ابزاری جهت رسیدن به اهداف سیاسی درباره ایران مطرح است. به عبارتی مسئله حقوق بشر نزد اتحادیه اروپا بیش از آنکه مسئله‌ای هنجاری باشد، ابزاری جهت رسیدن به اهداف سیاسی است. تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره روابط ایران و اتحادیه اروپا صورت گرفته است که به طور خاص به نقش متغیر حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. برخی از آنها قائل به محوریت منافع اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا نسبت به حقوق بشر بوده و معتقدند حقوق بشر در سیاست‌های اتحادیه اروپا عمدتاً نقش ابزاری و حاشیه‌ای دارد (Struwe, 1998: 31-32)، (عباسی، ۱۳۹۲، الوندی و کیانی، ۱۳۹۳). اما برخی

دیگر به محوریت حقوق بشر در سیاست‌های اتحادیه اروپا اذعان کرده و معتقدند از دهه نود میلادی، سیاست هماهنگ حقوق بشری در اروپا ظهور یافت و این اصل چنان که در بیانیه وزرای خارجه در ۱۹۹۶ مطرح شد، به عنوان فاکتور اصلی روابط خارجی اتحادیه اروپا درآمده است (Velluti, 2016: 53). با این حال هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که از آنها نام برده شد، به طور خاص به موضوع پژوهش حاضر نمی‌پردازند. به جز تحقیق استرو که به صورت حاشیه‌ای به مسئله روابط اقتصادی طرفین به صورت کمی می‌پردازد، سایر پژوهش‌ها عمدتاً کیفی هستند. لذا پژوهش حاضر از این منظر که میان مسئله حقوق بشر و روابط تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا پیوند برقرار کرده و این نسبت را با آمار و ارقام کمی سنجیده است، پژوهشی بکر و جدید شمرده می‌شود. رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی، روش آن مقایسه‌ای و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. سازماندهی پژوهش چنین است که ابتدا به اهمیت روابط طرفین می‌پردازیم، سپس به سیر تاریخی روابط ایران و اتحادیه اروپا اشاره و تاثیر حقوق بشر بر روابط تجاری دوطرف در دوره ریاست جمهوری هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد را بررسی خواهیم کرد.

۱. اهمیت رابطه ایران و اتحادیه اروپا

جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به علت قرارگرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه استراتژیک هستند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین‌المللی و نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی ایران، ضرورت‌های متقابلی را برای برقراری یک رابطه تقویت شده میان طرفین به وجود می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران از نظر راهبردی در مرکز ذخایر انرژی جهان واقع است و طولانی‌ترین سواحل را با حوزه منابع انرژی در دریای خزر دارد. همچنین از نظر موقعیت مرکزی، به دلیل واقع شدن در بین دو قاره آسیا و اروپا و نیز قرارگرفتن در میان کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز در شمال و کشورهای حوزه خلیج فارس در جنوب و واقع شدن در قلب ۷۵ درصد مجموع ذخایر نفت و گاز و انرژی، موقعیت بی نظیری در حمل‌ونقل کالا و ترانزیت انرژی دارد. اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است که از طریق تعمیق روابط خود با ایران و

برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد. بنابراین تنظیم روابط با ایران اهمیت اساسی برای اتحادیه دارد. در مقابل رابطه با اتحادیه اروپا نیز همیشه برای ایران دارای اهمیت بوده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در میان کشورهای ثروتمند، صنعتی و پیشرفته جهان قرار دارند و از نفوذ بالایی در برخی مجامع سیاسی همچون شورای امنیت و سازمان‌های اقتصادی و پولی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی برخوردار هستند. همچنین اتحادیه اروپا همواره به لحاظ انتقال تکنولوژی، سرمایه‌گذاری خارجی و دادوستد بازرگانی از جایگاه مهمی در نزد ایران برخوردار بوده است. همچنین این اتحادیه می‌تواند با توجه به کشمکش و خصومت سیاسی میان ایران و آمریکا، نقش مهمی در تعدیل فشارهای بین‌المللی علیه ایران داشته باشد (عباسی اشلقی، ۱۳۸۸: ۲۳۵-۲۴۳).

۲. روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری هاشمی

با رحلت امام خمینی (ره) و انتخاب رئیس جمهور وقت به سمت رهبری، پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر برگزار و اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور جدید انتخاب شد. با آغاز ریاست جمهوری هاشمی، تلاش برای نوسازی سیاست خارجی ایران آغاز شد. در این دوره اگرچه جمهوری اسلامی از جنبش‌های اسلامی حمایت می‌کرد؛ اما اولویت اصلی آن صدور انقلاب نبود. «هاشمی با توجه به مقتضیات پس از جنگ، چهار هدف ویژه را دنبال می‌کرد: ۱- به انزوای سیاسی ایران پایان دهد، ۲- سرمایه‌گذاری خارجی به ایران جذب کند، ۳- نگاه غرب به ایران را تغییر دهد و ۴- تسلیحات مدرن نظامی بدست آورد» (سامانی، ۱۳۸۳: ۴۰).

ضرورت بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ، ایران را مجبور ساخت تا رویکرد خود به نظام بین‌الملل را از تقابل‌گرایی به تعامل‌گرایی تغییر دهد. بدین ترتیب پس از بهبود روابط در اول آذر ۱۳۶۹، وزیر امور خارجه ایرلند به عنوان اولین مقام بلندپایه جامعه اروپا از ایران بازدید رسمی به عمل آورد. این سفر آغازگر تبادل نظر مقامات دوطرف تلقی شد، اما توسعه مناسبات با سفر

وزیران امور خارجه سه کشور هلند، لوکزامبورگ و ایتالیا به تهران به عنوان روسای گذشته، حال و آینده جامعه اروپا (تروئیکا)، در ۱۵ فروردین ۱۳۷۰ شروع شد که طی آن آمادگی اتحادیه برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی اروپا با ایران اعلام شد (Hatamzadeh and Samoudi, 2012: 155).

باید توجه داشت که پس از آزادسازی کویت در جنگ اول خلیج فارس، کشورهای عضو اتحادیه اروپا که نقش زیادی در آزادسازی کویت به آنها واگذار نشده بود و به خوبی از فقدان پایگاه لازم در کشورهای حوزه خلیج فارس پس از جنگ و مشکلات تامین انرژی مورد نیاز خود آگاه بودند، لزوم عادی سازی روابط خود با ایران که به عنوان تنها کشور مهم صادرکننده نفت در منطقه توانسته بود خارج از سیطره کنترل امریکا باقی بماند را احساس کردند. بدین لحاظ سران دوازده کشور اتحادیه اروپا در پایان اجلاس ادینبورگ در انگلستان که در تاریخ ۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ برگزار شد، بیانیه‌ای درباره روابط با ایران صادر کردند که در آن شورای اروپا با توجه به اهمیت فراوان روابط، اعتقاد خود را به لزوم حفظ گفت‌وگو با دولت ایران تایید کرد. این گفت‌وگو از دیدگاه اتحادیه اروپا، انتقادی و در برگیرنده نگرانی‌های اتحادیه از رفتار ایران بود (European Council, 1992: 96).

از سوی دیگر، با پایان جنگ تحمیلی دولت هاشمی کوشید با توجه به نیازهای داخلی و همچنین در جهت بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، توسعه اقتصادی ایران را در قالب برنامه‌های پنج ساله تداوم دهد. هدف این سیاست‌ها، بازسازی اقتصاد درهم ریخته، گسترش حوزه مشارکت خارجی و خصوصی سازی اقتصاد بود. لذا در راستای خصوصی سازی و در جهت گسترش توان اقتصادی کشور، نیاز بود که زمینه همواری برای مشارکت سرمایه‌های خارجی فراهم شود. این امر باعث شد که ایران به سوی اتحادیه اروپا گرایش یابد زیرا اقتصاد ایران از دیرباز به اروپا گره خورده بود. اروپا از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران بوده و صنایع ایران از نظر تجهیزات، لوازم یدکی و قطعات به اروپا وابسته بود. همچنین صنایع فرسوده نفت و گاز ایران نیاز فوری به سرمایه، دانش فنی و فناوری داشت. بدین لحاظ هاشمی در پاسخ به بیانیه اتحادیه اروپا که اولین تقاضای رسمی

برای انجام گفت‌وگوهای انتقادی بین ایران و اروپا بود، پیامی خطاب به تک‌تک سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۹۳ صادر کرد که در آن بر آمادگی ایران و تمایل به بحث و تبادل نظر جدی، صریح و انتقادی با اتحادیه اروپا تاکید شده بود. بدین ترتیب گفت‌وگوهای انتقادی میان طرفین آغاز شد که شامل حقوق بشر، مجازات مرگ سلمان رشدی، مسائل مربوط به تروریسم و رفتار سازنده در قبال صلح غرب آسیا می‌شد.

اگرچه از نظر غربی‌ها دوره اول ریاست جمهوری هاشمی به لحاظ رعایت حقوق بشر یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها محسوب می‌شد (Afshari, 2001, Preface)، اما آمارها حاکی از آن است که روابط تجاری ایران و جامعه اقتصادی اروپا در این دوره نسبت به گذشته روند صعودی پیدا کرده است. در حالی که در سال ۱۳۶۷ میزان واردات ایران از جامعه اقتصادی اروپا ۳۶۰۶ میلیون دلار بود، این رقم در اولین سال ریاست جمهوری هاشمی با ۴۰ درصد رشد به ۵۰۴۶ میلیون دلار افزایش یافت (بانک مرکزی ایران، ۱۳۷۰). این روند صعودی در سال‌های بعد نیز تداوم یافت. همچنین میزان صادرات ایران به جامعه اقتصادی اروپا در این دوره نیز سیر صعودی داشت، به طوری که از رقم ۵۳۲ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷، به ۱۲۱۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ ارتقا یافت (بانک مرکزی ایران، ۱۳۷۸). در این دوره صادرات نفت ایران به اروپا نیز افزایش یافت و در مقابل نیز اروپا جایگزینی مناسب برای تامین نیازهای صنایع ایران شد.

میزان واردات ایران از جامعه اقتصادی اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
میزان	۵۰۴۶	۸۲۸۹	۱۴۱۴۳	۱۴۶۴۰

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸

میزان صادرات ایران به جامعه اقتصادی اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
میزان	۵۸۰٫۲	۶۹۰٫۷	۱۲۵۸٫۱	۱۲۱۵

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸

اما با آغاز دور دوم ریاست جمهوری هاشمی، بروز برخی حوادث واگرایانه موجب تیرگی روابط ایران و اتحادیه اروپا شد. «پیامدهای حکم قتل سلمان رشدی (پافشاری ایران به اجرای حکم)، ترور ایرانیان خارج از کشور، حمایت از نظامی‌گری در کشورهای عربی و چندین حرکت سرد دیپلماتیک دیگر با اعضای اتحادیه اروپا، این روابط را رو به بحران سوق داد» (Halliday, 1994 : 310) که بر روابط تجاری میان دو کشور نیز تاثیر گذاشت و میزان روابط تجاری را کاهش داد.

یکی از حوادث مهمی که بروز آن منجر به قطع روابط ایران و اتحادیه اروپا شد، حادثه رستوران میکونوس در سال ۱۳۷۱ بود که باعث شد میزان واردات ایران از جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۳۷۲ با افتی ۳۴ درصدی نسبت به سال قبل به ۹۶۳۱ میلیون دلار برسد. این میزان در سال‌های بعد نیز مرتبا کاهش یافت به طوری که در آخرین سال ریاست جمهوری هاشمی به ۵۸۳۰ میلیون دلار رسید. صادرات ایران به جامعه اقتصادی اروپا در این دوره نیز وضعیتی مشابه داشت. اگرچه در سال ۱۳۷۳ میزان صادرات ایران به جامعه اقتصادی اروپا نسبت به سال قبلش رشدی ۳۹ درصدی را تجربه کرد، اما روند کلی کاهشی بوده به طوری که از ۱۴۷۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲، به ۱۰۵۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ تقلیل یافته است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۰).

میزان واردات ایران از جامعه اقتصادی اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
میزان	۹۶۳۱	۵۷۹۱	۵۰۱۷	۵۸۳۰

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۰

میزان صادرات ایران به جامعه اقتصادی اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
میزان	۱۴۷۷	۲۰۵۴	۱۲۸۷	۱۰۵۳

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۰

با این حال، در این دوره نیز شاهد اقداماتی به کلی واگرایانه میان ایران و اتحادیه

اروپا نیستیم. به طور مثال در حالی که امریکا در ۱۸ مه ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ شمسی)، سیاست مهار دوجانبه که توسط مارتین ایندایک ارائه شده بود را به عنوان سیاست جدید آن کشور در قبال ایران و عراق اعلام داشت و از اتحادیه اروپا خواست برای بهتر اجرا شدن این سیاست، امریکا را همراهی نماید، اما اتحادیه اروپا با این سیاست مخالفت نمود. این در حالی است که یک سال پیش از آن، حادثه رستوران میکونوس ایران را در معرض اتهام نقض حقوق بشر قرار داده بود. همچنین اتحادیه اروپا مخالف خود را با تحریم داماتو علیه ایران که در سال ۱۹۹۶ و از سوی امریکا ارائه شده بود، اعلام داشت (Drenou, 2008: 75-78). «وزیران اتحادیه اروپا در واکنش به سیاست‌های امریکا علیه ایران، از امریکا خواستند تا سیاست‌های تجاری خود را که هدفش جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران و لیبی است (قانون داماتو یا ایلسا)، کنار بگذارد. آنها همچنین از مقامات اروپایی خواستار شکایت رسمی به سازمان تجارت جهانی از سوی اتحادیه اروپا علیه ایالات متحده شدند» (آقایی، ۱۳۸۶: ۴۹). لذا این تحریم نه تنها به انزوای ایران منجر نشد بلکه بسیاری از کشورهای اروپایی روابط اقتصادی خود را با تهران افزایش دادند (Bergenäs, 2010: 501). سفیر وقت ایران در آلمان معتقد است در این دوره مسئله حقوق بشر نتوانست باعث رکود فوق‌العاده روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا شود؛ چراکه از یک سو منافع اقتصادی برخی کشورهای اروپایی همچون آلمان و فرانسه اهمیت بیشتری از حقوق بشر داشت و از سوی دیگر، اتحادیه همواره با وضع تحریم‌های تجاری به استثنای تحریم‌هایی که از سوی سازمان ملل وضع می‌شد، مخالفت می‌کرد (Mousavian, 2008: 197-202). به همین دلیل در سال ۱۹۹۵، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شد؛ به طوری که ۴۰ درصد از کل واردات ایران از اتحادیه اروپا تامین شده و بیش از ۳۶ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران نیز به مقصد کشورهای این اتحادیه بود (Moshaver, 2003: 295). البته باید توجه داشت که در این موارد اروپا، ایران را به امریکا ترجیح نداده بود، بلکه براساس آنچه که قبلاً توضیح دادیم، پس از پایان جنگ خلیج فارس و سقوط شوروی، اتحادیه اروپا منافع خود را در

رقابت با امریکا در بعضی موارد می‌دانست، هرچند که در اصول، استراتژی‌ها و سیاست‌های کلی بین دو طرف اختلافی وجود نداشت.

همچنین به نظر می‌رسید اتحادیه اروپا از تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه ایران خیلی هم ناراضی نباشد، چرا که فشار مضاعف امریکا، ایران را بیشتر به سوی اتحادیه اروپا سوق می‌داد و در این شرایط اتحادیه اروپا می‌توانست هم خواسته‌های سیاسی خود را (که تفاوت زیادی با خواسته‌های امریکا نداشت) بر ایران تحمیل کند و هم منافع اقتصادی بسیاری را در نبود رقیبی توانا در حوزه نفت و بازار ایران کسب نماید.

به هر روی پس از صدور حکم دادگاه میکونوس در فروردین ۱۳۷۶، تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا (به جز یونان) سفرای خود را از ایران فراخواندند. بدین ترتیب گفت‌وگوهای انتقادی که در هفت دور و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ به انجام رسیده بود، قطع و روابط ایران و اتحادیه اروپا رو به بحران و تیرگی گذارد.

۳. روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری خاتمی

با پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری هفتم در دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتخاب سیاست تنش‌زدایی به عنوان اصل اول سیاست خارجی دولت ایران از طرف وی، روابط ایران با اتحادیه اروپا (و در مقیاس وسیع‌تر با تمامی کشورهای دنیا) وارد مرحله جدیدی شد. سفرای کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ایران بازگشتند و روابط ایران و اتحادیه اروپا در این زمان به بهترین سطح خود در طول سال‌های پس از انقلاب رسید. دید و بازدیدهای سیاسی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سطوح بالا صورت گرفت و خاتمی از آلمان، ایتالیا و فرانسه بازدید کرد (Sabet-Saeidi, 2008: 63-65). گفت‌وگوهای انتقادی جای خود را به گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر داد. «گفت‌وگوهای فراگیر از سال ۱۳۷۷ انجام شد و در آن علی‌رغم گسترش موضوعات مذاکره و گفت‌وگو به موضوعات غیرسیاسی از جمله موضوعات اقتصادی و اجتماعی همچون مواد مخدر و مسئله پناهندگان، اما همچنان موضوعات چهارگانه حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و روند صلح غرب آسیا بر موضوعات دیگر سایه انداخته بود» (Posch, 2006: 100).

در این بین اروپایی‌ها اعلام می‌کردند که رعایت حقوق بشر از سوی ایران برای آنها اهمیت دارد. «خاویر سولانا در جریان مذاکرات خود با طرف‌های ایرانی، بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران در شکل آزادی بیان را در کنار سایر موارد، شرط اصلی گسترش روابط اتحادیه اروپا با تهران ذکر کرده بود» (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۷۴). علی‌رغم روابط بسیار خوب ایران و اتحادیه اروپا در این دوره، ما شاهد کاهش سطح روابط تجاری میان طرفین هستیم. عمده دلیل در این‌باره اعتراض اتحادیه درباره نقض حقوق بشر در ایران بود. براساس آمار بانک مرکزی ایران، در سال ۱۳۷۶ واردات ایران از اتحادیه اروپا ۵۶۶۶ میلیون دلار بوده که در پایان دوره اول ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۷۹)، به ۵۳۲۱ میلیون دلار کاهش پیدا می‌کند. همچنین صادرات به اتحادیه اروپا در سال ۱۳۷۶ معادل ۹۰۶ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۸۴۲ میلیون دلار کاهش یافته است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴). لذا مشاهده می‌شود با وجود روابط سیاسی بهتر ایران با اتحادیه اروپا در زمان خاتمی نسبت به دوره هاشمی، اما روابط تجاری میان طرفین کاهش یافته است.

میزان واردات ایران از اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
میزان	۵۶۶۶	۶۲۳۳	۵۱۴۷	۵۳۲۱

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴

میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
میزان	۹۰۶	۸۸۹	۸۸۸	۸۴۲

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴

اما این شرایط در دور دوم ریاست جمهوری خاتمی تغییر می‌کند. اتحادیه اروپا همکاری‌های اقتصادی خود را که تا قبل از آن بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی صورت گرفته بود، با مسائل سیاسی مورد نظر خویش پیوند زد. این موضوع نوعی همراهی سیاست خارجی اتحادیه اروپا با سیاست‌های محدودکننده امریکا علیه



ایران را به ذهن متبادر می‌سازد. پیشتر رفتار کشورهای اروپایی در برابر ایران در حوزه اقتصادی با امریکا متفاوت بود. به طوری که تحریم‌های اقتصادی امریکا را نادیده گرفته و به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران دست زده بودند.

این چرخش اتحادیه اروپا تا اندازه بسیار زیادی ناشی از آموزه جدید امریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نگرانی اروپائیان از این بابت بود. در این میان مسئله حقوق بشر از دیدگاه اتحادیه اروپا به اندازه‌ای مهم بود که «به گفته آقای هاستراپ، مسئول امور ایران در کمیسیون اروپا، شورای اروپا از کمیسیون اروپا خواسته بود متن تنظیم شده درباره موافقت‌نامه همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا با مسائل حقوق بشر در ایران هماهنگ باشد» (یاری، ۱۳۸۲: ۱۲۵). کمیسیون اروپا در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۰۱، در خصوص تنظیم روابط اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران گزارشی منتشر کرد که در بخشی از آن آمده است: «اتحادیه اروپا برای توسعه مناسبات با ایران هم دلایل سیاسی و هم دلایل اقتصادی دارد. در کنار اینها دارای دغدغه‌های حقوق بشری نیز می‌باشد؛ زیرا بر این اعتقاد است که ارتقای سطح دموکراسی و احترام به حقوق بشر به ایران کمک خواهد کرد تا شریک باثبات‌تری در منطقه برای اتحادیه اروپا باشد» (Commission of The European Communities 2001: 6). در این دوره مرگ زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی ایرانی‌الصل، موضوعی بود که باعث شد حوزه حقوق بشر در میان موضوعات چهارگانه موردنظر اروپا تشدید شود و مورد توجه جدی قرارگیرد.

بدین ترتیب گفت‌وگو درباره حقوق بشر در ایران، در جلسه سران پارلمان اروپا در فوریه ۲۰۰۱، در شهر نیس فرانسه آغاز شد. از سوی دیگر دعوت شورای وزیران از کمیسیون به عنوان یک نهاد اجرایی جهت بررسی پیش‌نویس دستورالعمل مذاکرات برای یک توافق تجارت و همکاری (TCA) در نوامبر ۲۰۰۱ صورت پذیرفت. توافقنامه TCA، یک قرارداد غیرترجیحی است که کانون توجه آن بر همکاری مالی و اقتصادی و در حوزه‌های منافع متقابل و آزادسازی تجاری^۱

قرارداد (زاهد طالبیان و حسینی، ۱۳۸۶: ۶۸). در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲، شورای وزیران اتحادیه اروپا موافقت کرد تا دستورالعمل کمیسیون برای انعقاد TCA را مورد پذیرش قرار دهد، «درحالی که در مقدمه توافقنامه TCA موضوع حقوق بشر گنجانده شد» (فلاحی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). همچنین شورا در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۲، تصمیم گرفت که اقدام به پیگیری یک رشته گفت‌وگو در زمینه حقوق بشر با ایران کند. «بدین ترتیب اتحادیه اروپا با مشروط نمودن توافق بر سر گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با ایران با موضوع بهبود وضعیت حقوق بشر، چهار دور گفت‌وگو (از مهر ۱۳۸۱ تا خرداد ۱۳۸۳) در این زمینه در تهران و بروکسل با همکاری دولت ایران تدارک و ساماندهی نمود. در پایان چهارمین نشست بیانیه شدیدالحنی در رابطه با ادامه نقض حقوق بشر در ایران صادر شد که نشان می‌دهد اتحادیه اروپا پس از تقریباً دو سال گفت‌وگو با ایران درباره وضعیت حقوق بشر، به این نتیجه رسید که هیچ‌گونه پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است» (سامانی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). شایان ذکر است که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست اتحادیه اروپا به تدریج در زمینه مسائلی مانند کنترل برنامه هسته‌ای ایران، ضرورت رعایت حقوق بشر، عدم کارشکنی در روند صلح مذاکرات غرب آسیا و عدم حمایت از تروریسم، با سیاست امریکا هماهنگ شده بود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۴۵). بدین لحاظ «پارلمان اتحادیه اروپایی در قطعنامه خود مورخ ۱۶ نوامبر ۲۰۰۲، ضمن لزوم حذف مجازات اعدام در ایران و نگرانی از وضعیت حقوق بشر، به ایران هشدار داد که هرگونه موافقت‌نامه تجاری با ایران مستلزم پیشرفت مسائل حقوق بشری در این کشور است» (اسکندریان، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

اما از سال ۲۰۰۳، مسئله رعایت حقوق بشر به عنوان شرط ادامه مذاکرات اقتصادی، جای خود را به مسئله پرونده هسته‌ای داد (Kaussler, 2008: 269, Posch,) (2007: 537) و در یک حرکت بی‌سابقه، وزرای خارجه اتحادیه اروپا در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ با صدور بیانیه‌ای، هشدار شدیدی به ایران دادند مبنی بر اینکه انعقاد و تکمیل معامله قرارداد تجاری ایران - اتحادیه اروپا بستگی به تصمیم ایران در اجرای فوری و بدون قید و شرط پروتکل الحاقی دارد (Council of the European



Union, 16 June 2003: 24). در ۲۱ جولای، وزرای خارجه اتحادیه اروپا بدین امر اشاره داشتند که آنها ممکن است در صورتی که ایران پروتکل الحاقی را تا پاییز امضا نکند، گفت‌وگوهای خود را پیرامون توافق‌نامه تجاری، متوقف کنند (Council of the European Union, 21 July 2003: 9). سرانجام شورای وزیران اتحادیه در دسامبر ۲۰۰۳، در بروکسل بیانیه‌ای مبنی بر توقف مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه تجارت و همکاری تا روشن شدن کامل وضعیت اتمی ایران صادر کردند» (ثقفی عامری، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

درباره موضع اتحادیه اروپا در قبال ایران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، می‌توان سه دلیل ابراز داشت: نخست آنکه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، مسئولان امریکا به صراحت به تهدید آن دسته از کشورهای اروپایی پرداختند که با سیاست‌های امریکا همراهی نمی‌کردند و لذا آنها را محور شرارت دوم خواندند. با تهدیدات و استدلال‌های امریکا، کشورهای اروپایی به تدریج نقش یک‌جانبه‌گرایی این کشور را جدی گرفته و منافع خود را در همسویی و تعقیب سیاست‌های بین‌المللی امریکا تعریف کردند. در این راستا در تنظیم رابطه خود با ایران، ملاحظات امریکا را شدیداً مورد لحاظ قرار داده و به خصوص در چهار موضوع حقوق بشر، سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و صلح غرب آسیا مواضع خود را بیش از پیش به امریکا نزدیک نمودند (عبدخدایی، ۱۳۸۹: ۵۲۷-۵۲۸). دوم آنکه اتحادیه اروپا که به علت عدم همراهی امریکا در جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳، از منافع حاصله پس از جنگ محروم مانده بود، سعی می‌نمود با همراهی و همسویی امریکا در سیاست‌های تنبیهی علیه ایران، به نوعی از امریکا دلجویی نماید. اما از سوی دیگر، اتحادیه اروپا مخالف برخورد سخت و نظامی از سوی امریکا علیه ایران بود. در حالی که تمامی کشورهای منطقه تقریباً زیر نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم امریکا بودند (همچون اعراب، عراق، افغانستان و پاکستان)، قرار گرفتن ایران زیر نفوذ امریکا، در راستای منافع اتحادیه اروپا نبود.

بدین لحاظ اتحادیه اروپا با اتخاذ سیاست‌های دوپهلوی و کج‌دار و مریز، ضمن راضی نگاه داشتن امریکا، از اقدامات شدید علیه ایران خودداری کرده و حتی با

اعطای مشوق‌هایی (که عمدتاً اقتصادی بود)، سعی داشت کماکان ایران را در جانب خود حفظ نماید. از این‌رو از یک طرف با قراردادن ایران در محور شرارت از سوی امریکا مخالفت کرده اما از سوی دیگر ادامه گفت‌وگوها و تعمیق روابط خود با ایران را مشروط به انجام تعهدات از سوی ایران می‌نمود. از یک‌سو با تعیین ضرب‌الاجل جهت پیوستن ایران به کنوانسیون الحاقی، در جبهه امریکا قرار می‌گرفت، اما از سوی دیگر بسته‌های تشویقی مختلف به ایران پیشنهاد داده و روابط اقتصادی خود را با ایران افزایش می‌داد (لازم به ذکر است که طبق آمار، روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا در دو سال پایانی دولت دوم خاتمی نسبت به سال‌های قبل از آن به شدت افزایش یافته است).

به نوعی می‌توان از این رفتار اتحادیه اروپا با عنوان سیاست «چماق و هویج» نام برد (Kaussler, 2012: 71) و حتی اگر امریکا را هم وارد این بازی کنیم، از آن می‌توان به عنوان سیاست «پلیس خوب، پلیس بد» یاد کرد. اتحادیه اروپا سعی می‌نمود هم امریکا (که متحد اول و استراتژیکش است) را برای خود حفظ نماید و هم ایران را. البته این امر کاملاً بدیهی است که جایگاه امریکا نسبت به ایران نزد اتحادیه اروپا غیرقابل مقایسه است، اما سیاستمدار زیرک آن است که از کوچک‌ترین فرصت‌ها، بیشترین بهره‌ها را برده و در معادلات بین‌المللی به صورت فعال نقش داشته باشد.

لذا روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی سیر صعودی به خود می‌گیرد (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴). این امر را می‌توان ناشی از چند عامل دانست: ۱- افزایش قیمت نفت و نیز افزایش صادرات نفت به اتحادیه از سوی ایران در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ که باعث افزایش درآمد ارزی ایران و در نتیجه افزایش واردات شده است. البته باید در نظر داشت با اینکه قیمت نفت از سال ۱۳۸۰ روند صعودی به خود می‌گیرد، اما صادرات نفت خام ایران به اتحادیه اروپا تا سال ۱۳۸۲ که به ۱۰,۵ درصد می‌رسد، روند نزولی خود را ادامه می‌دهد. اما این رقم در سال ۱۳۸۳، به ۲۵,۸ درصد افزایش می‌یابد و با توجه به افزایش قیمت نفت به ۳۴,۶۱ دلار تاثیر بسیار عمده‌ای در افزایش واردات

ایران در این سال داشت. اما این عامل را نمی‌توان در ۲ سال ابتدایی این دوره آنچنان دخیل دانست. ۲- افزایش تعداد کشورهای عضو اتحادیه اروپا از ۱۵ کشور به ۲۵ کشور در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳). ۳- افزایش حساسیت در پرونده هسته‌ای ایران که در نتیجه همگرایی بیشتر اتحادیه با امریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر روی داد. اتحادیه اروپا سعی می‌کرد با در پیش گرفتن سیاست چماق و هویج و دادن امتیازهای اقتصادی و پیشنهادهای مختلف (همچون حمایت از پیوستن ایران به WTO و...)، موضع ایران را در پرونده هسته‌ای معتدل‌تر نماید. چراکه اروپا مخالف برخورد سخت از سوی امریکا با ایران بود و این امر را به زیان منافع خود در منطقه می‌دانست. به همین دلیل ما شاهد افزایش میزان صادرات و واردات و نیز صدور نفت خام ایران به اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ هستیم. بدین ترتیب می‌توان گفت میزان روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا در این دو سال بیشتر از آنکه ناشی از وضعیت حقوق بشر در کشورمان باشد، ناشی از معادلات بین‌المللی و افزایش فشار امریکا بر ایران درباره موضوع هسته‌ای بوده است.

میزان واردات ایران از اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
میزان	۶۵۵۸	۹۰۹۷	۱۰۸۳۷	۱۴۶۴۹

(منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴)

میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
میزان	۷۶۰	۷۰۱	۸۱۷	۱۱۶۲

(منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۴)

۴. روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد

در حالی که موضوع هسته‌ای باعث سردی روابط میان ایران و اتحادیه اروپا شده بود، با روی کار آمدن احمدی‌نژاد، سطح روابط میان طرفین بیش از پیش کاهش یافت. دولت نهم در برابر غرب سیاست تقابلی در پیش گرفت؛ چراکه معتقد بود

غرب در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی با جمهوری اسلامی نیست، بلکه در صدد تسلیم و تحکیم خواسته‌های خود به ایران است. احمدی‌نژاد مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل را ناعادلانه و نابرابر می‌دانست و به دنبال بر هم زدن آن بود. به همین دلیل سیاست خارجی ایران در این دوره به سمت رادیکالیسم اسلامی دهه ۱۹۸۰ سوق یافت. این نوع سیاست خارجی به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انجامید (Gasiorowski, 2007: 125-130). همچنین سیاست خارجی دولت نهم عمدتاً به کشورهای امریکای لاتین توجه داشت و از گسترش رابطه با اتحادیه اروپا استقبال نمی‌کرد. به همین دلیل تبادل و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در این دوره به حداقل خود رسید. از سوی دیگر مواضع هسته‌ای دولت جدید عملاً باعث اعتراض و دوری سردمداران اتحادیه از ایران شد؛ چنانکه اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۰۸، اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد (خالوزاده و افضل، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱).

همچنین در این دوره مناسبات ایران و اتحادیه در زمینه حقوق بشر تیره و تار بود. اتحادیه معتقد بود ایران به میثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام نمی‌گذارد. لذا اتحادیه در موقعیت‌های مختلف، نظرات خود در این خصوص را به ویژه از طریق پارلمان اروپا ابراز می‌کرد. اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های مختلف مدعی نقض حقوق بشر در ایران شد و اقداماتی از جمله تحریم برخی از مقامات و مسئولین را به همین دلیل در پیش گرفت (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱).

اما با آنکه اتحادیه اروپا در این دوره نسبت به نقض حقوق بشر در ایران اعتراضات زیادی داشت، اما ما شاهد هستیم روابط تجاری میان طرفین نه تنها کاهش نیافته بلکه به لحاظ ارزش افزایش نیز یافته است. طبق آمار بانک مرکزی ایران، میزان واردات (غیرنفتی) ایران از اتحادیه اروپا در نخستین سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)، نسبت به سال قبل بیش از هفت درصد رشد داشته و میزان صادرات (غیرنفتی) به اتحادیه اروپا در همین مدت حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۸). اگرچه مبادلات تجاری

ایران با اتحادیه اروپا در این دوره (به خصوص واردات ایران از اتحادیه) با نوساناتی همراه است، اما در مجموع میزان آن نسبت به دوره‌های قبل بیشتر است.

میزان واردات ایران از اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
میزان	۱۵۷۵۲	۱۴۵۳۴	۱۵۱۸۴	۱۶۲۱۶

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۸

میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
میزان	۱۳۰۱	۱۷۲۶	۱۹۲۱	۱۸۴۵

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۸

حتی اگر میزان مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا را با احتساب نفت مدنظر قراردهیم،^(۱) باز هم شاهد روند افزایشی در دوره اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نسبت به دوره‌های قبل خواهیم بود (International Trade Centre, 2016). البته تردیدی نیست که مهم‌ترین علت این موضوع را می‌توان در افزایش قیمت نفت در این سال‌ها دانست. در حالی که متوسط قیمت نفت در زمان فعالیت دولت سازندگی ۱۶٫۵ دلار و در دوران اصلاحات ۲۲ دلار بود؛ با آغاز ریاست جمهوری احمدی‌نژاد قیمت نفت رشد صعودی خود را با شیب زیادی ادامه داد و تا ۱۱۰ دلار هم پیش رفت. متوسط قیمت نفت ایران در این دوران ۷۸ دلار بود که مسلماً در میزان مبادلات تجاری ایران (چه به لحاظ صادرات که عمده‌ترین محصول صادراتی ایران نفت محسوب می‌شود و چه به لحاظ واردات که با توجه به انبوه دلارهای نفتی دست دولت را باز کرده بود)، تاثیرگذار بود. همانطور که ملاحظه می‌شود، در دور نخست ریاست جمهوری احمدی‌نژاد میزان مبادلات تجاری نفتی و غیرنفتی ایران با اتحادیه اروپا نسبت به دور دوم ریاست جمهوری خاتمی با افزایش مواجه شده است.

میزان مبادلات (نفتی و غیرنفتی) ایران و اتحادیه اروپا (هزار دلار) (دوره خاتمی)

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
صادرات به اتحادیه	۶,۰۴۳,۷۶۲	۴,۹۹۹,۲۵۸	۷,۰۸۰,۵۳۶	۹,۱۰۱,۱۸۹
واردات از اتحادیه	۶,۸۷۱,۵۲۱	۸,۲۷۸,۰۱۹	۱۱,۳۸۰,۱۴۹	۱۴,۷۶۵,۸۰۹

(International Trade Centre, 2016)

میزان مبادلات (نفتی و غیرنفتی) ایران و اتحادیه اروپا (هزار دلار) (دوره احمدی نژاد)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
صادرات به اتحادیه	۱۲,۷۵۸,۲۵۸	۱۵,۹۰۷,۵۱۷	۱۷,۱۵۸,۰۷۱	۲۰,۴۹۹,۹۹۹
واردات از اتحادیه	۱۵,۹۱۳,۸۴۳	۱۴,۱۵۲,۵۴۱	۱۳,۷۹۸,۹۳۳	۱۶,۵۵۰,۵۶۱

(International Trade Centre, 2016)

اما دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و به خصوص دو سال پایانی که مصادف با تشدید تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران بود، میزان مبادلات تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا رو به کاهش می‌گذارد؛ به طوری که در پایان سال ۱۳۹۱ میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا با حدود ۱۷ درصد کاهش نسبت به اولین سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، به رقم ۱۰۸۱ میلیون دلار و میزان واردات ایران از اتحادیه اروپا با ۳۵ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۸۴، به رقم ۱۰۱۱۳ میلیون دلار می‌رسد (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۲). این کاهش مبادلات نه تنها با اتحادیه اروپا بلکه در کل مبادلات تجاری ایران در این دوره رخ داده که همانطور که گفته شد، علت اصلی آن تشدید تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های یکجانبه امریکا علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای کشورمان بوده است.

میزان واردات ایران از اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
میزان	۱۴۲۲۰	۱۳۸۶۸	۱۲۴۳۵	۱۰۱۱۳

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۲

میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
میزان	۲۰۲۴	۱۹۵۴	۱۶۱۱	۱۰۸۱

منبع: بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۲

در آمار خارجی که نفت نیز لحاظ شده است، در دور دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، میزان مبادلات با اتحادیه اروپا از سال آخر رو به کاهش می‌گذارد که همانطور که گفته شد به دلیل آغاز تشدید تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران از سال ۹۱ بود. همچنین در سال ۲۰۰۹ نیز به دلیل بحران مالی و رکود اقتصادی در جهان، به طور طبیعی از سطح مبادلات تجاری طرفین کاسته شده بود.

میزان مبادلات (نفتی و غیرنفتی) ایران و اتحادیه اروپا (هزار دلار)

سال	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
صادرات به اتحادیه	۱۱,۹۴۷,۳۲۷	۱۸,۰۷۳,۳۰۷	۲۲,۷۷۶,۳۱۲	۷,۳۷۸,۷۴۰
واردات از اتحادیه	۱۴,۳۷۹,۹۷۴	۱۴,۹۲۶,۱۵۳	۱۴,۶۰۳,۴۸۷	۹,۴۵۴,۱۵۴

(International Trade Centre, 2016)

این آمار و ارقام حاکی از آن است که در دور اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، علی‌رغم نقض حقوق بشر از دیدگاه اروپا اما روابط تجاری دوطرف رو به افزایش می‌رود و در دور دوم ریاست جمهوری ایشان، نه به دلیل متغیر حقوق بشر، بلکه به دلیل تحریم‌های فلج‌کننده هسته‌ای از سطح روابط تجاری طرفین کاسته می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسئله حقوق بشر همواره به عنوان یکی از مسائل چالش‌برانگیز در روابط ایران و اتحادیه اروپا در طول سه دهه گذشته مطرح بوده است. اتحادیه اروپا همواره خواستار رعایت حقوق بشر از سوی ایران بوده و تعمیق روابط خود با این کشور را منوط به این امر دانسته است. در مقاطعی که به‌زعم غربی‌ها نقض حقوق بشر در ایران صورت گرفته، اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌هایی به این امر اعتراض کرده است. با این حال باید اذعان کرد مسئله حقوق بشر با آنکه در اظهارات اروپایی‌ها

مهم جلوه می‌کند، اما بیش از آنکه عنصری هنجاری باشد ابزاری سیاسی است. گواه این مدعا رفتار اتحادیه با کشورهایی است که در زمینه رعایت حقوق بشر سابقه خوبی ندارند. بهترین مثال در این باره کشور چین است که با آنکه شاخصه‌ها و مولفه‌های حقوق بشر در آن کمتر رعایت می‌شود، اما اولین شریک اقتصادی اتحادیه می‌باشد (کیوان حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۸). همچنین با وجود گزارش، بیانیه، اعلامیه و قطعنامه‌های مختلف از سوی کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپا، کمیسیون و پارلمان اروپا در ارتباط با نقض حقوق بشر در عربستان سعودی، همچنان همکاری دوجانبه‌ای میان اتحادیه اروپا و عربستان سعودی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی وجود دارد و اتحادیه اروپا، دولت عربستان سعودی را شریک اصلی تجاری خود در این منطقه می‌داند (الوندی و کیانی: ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶). طبق گزارش مجله اشپیگل آلمان، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲، بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ‌افزار را با در نظر گرفتن اهداف و منافع خود، به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی داشته است (Leser, 2012: 123). درباره ایران نیز این مسئله کاملاً صدق می‌کند. اتحادیه اروپا هرگاه خواسته، مسئله حقوق بشر را بهانه‌ای برای کاهش روابط اقتصادی قراردادده و هرگاه که منافعش اقتضا کرده حتی در صورت نقض حقوق بشر بر طبق تعاریف خود، سطح روابط را نه تنها کاهش نداده، بلکه افزایش داده است؛ چنانکه تا قبل از تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت ایران در سال ۲۰۱۲ و علی‌رغم همه ادعاهای حقوق بشری علیه ایران، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بوده است. به عبارت دیگر، علی‌رغم شعارهای اتحادیه اروپا در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی، در تحلیل نهایی منافع و مصالح اتحادیه در اولویت بالاتری قرار می‌گیرد (Dadandish, 2012: 58). در اوایل دهه ۷۰، علی‌رغم ترور چند ایرانی در خارج از کشور و با آنکه بسیاری از مخالفین جمهوری اسلامی آن اقدامات را به ایران نسبت داده بودند؛ اما ما شاهد افزایش سطح روابط تجاری میان ایران و اتحادیه هستیم. همانطور که گفتیم علت این امر نیاز اروپا به ایران و رقابت با آمریکا در منطقه بود. اتحادیه در این دوره حتی با

تحریم های نفتی ایران که از سوی امریکا اعمال شده بود نیز مخالفت کرد. اما هنگامی که شرایط برای اتحادیه اروپا تغییر کرد، رویکرد آنها به مسئله حقوق بشر نیز تغییر یافت؛ به طوری که در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی که اوج مناسبات میان ایران و اروپا را شاهد بودیم، اما سطح روابط تجاری میان طرفین کاهش یافت. علت این امر بهانه‌گیری‌های اروپا درباره نقض حقوق بشر در ایران بود. این در حالی است که با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و با وجود آنکه روابط سیاسی میان طرفین به سردی گراییده بود و اتحادیه اروپا نسبت به نقض حقوق بشر در ایران در این دوره معترض بود، اما روابط تجاری آسیبی ندید و حتی صادرات ایران به اتحادیه افزایش نیز یافت. البته باید اذعان داشت در برهه‌هایی از زمان، اتحادیه برای آنکه صداقت خود در مسئله حقوق بشر را نشان دهد، با بروز مسائل حقوق بشری اقدام به کاهش روابط اقتصادی خود با ایران کرده است. به طور مثال با فتوای امام خمینی (ره) در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ مبنی بر ارتداد سلمان رشدی، رابطه ایران و جامعه (اتحادیه) اروپا رو به تیرگی نهاد و در کنار بروز بحران در روابط سیاسی طرفین، همکاری‌های اقتصادی تقلیل و واردات اروپا از ایران کاهش یافت. همچنین به دنبال اعلام رأی دادگاه میکونوس در آوریل ۱۹۹۷، مشکل ایران و اتحادیه اروپا به مسایل تجاری و بازرگانی نیز کشیده شد. این جنجال منجر به توقف واردات کالاهای تجاری مورد نیاز صنایع کشور و تعطیلی تعدادی از کارخانجات و نیز وارد شدن ضربات شدید به صادرات پسته، قالی، فرش و خاویار ایران شد. اما پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسئله حقوق بشر در روابط طرفین کمتر لحاظ شد، تا اینکه از سال ۲۰۰۳ و بنا به معادلات بین‌المللی و مواضع امریکا در قبال ایران، پرونده هسته‌ای جایگزین مسئله حقوق بشر به عنوان محور اساسی در رابطه ایران و اتحادیه اروپا شد.

یادداشت‌ها:

۱. قابل ذکر است که آمارهای صادرات و واردات بانک مرکزی ایران بدون احتساب نفت و محصولات نفتی است، اما آمار خارجی همچون مرکز تجارت بین‌المللی، نفت و محصولات نفتی را نیز حساب می‌کنند.

منابع

الف) فارسی

- الوندی، زهرا و کیانی، داوود. ۱۳۹۳. "سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان (از ۲۰۰۸ تاکنون)", فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۸، صص: ۳۷ تا ۷۶.
- آقایی، سیدداود. ۱۳۸۶. اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سرای عدالت.
- اسکندریان، مهدی. ۱۳۸۳. "هویت و رابطه ایران و اتحادیه اروپایی"، در: کتاب اروپا ۳، جلد دوم ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۰.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۸.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۰.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۴.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸.
- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۲.
- ثقفی عامری، ناصر. ۱۳۸۳. "روابط ایران - اتحادیه اروپا؛ بازگشت به عرصه‌های استراتژیک"، ترجمه: علی فلاحی، در: کتاب اروپا ۳، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، جلد دوم، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۸۲. "روابط ایران و اتحادیه اروپایی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۷-۱۹۸، بهمن و اسفند، صص: ۴۰ - ۵۳.

خالوزاده، سعید و افضلی، توحید. ۱۳۹۰. "رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال ایران"، در: بهزاد احمدی لفورکی، **کتاب اروپا (۱۰)**، تهران: موسسه ابزار معاصر تهران.

ذاکریان، مهدی. ۱۳۸۰. "فراگرد رعایت حقوق بشر و موقعیت بین‌المللی ایران در دوره اصلاح طلبان"، در: **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران**، گردآوری و تدوین: مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات همشهری.

زاهد طالبیان، علی و حسینی، میرعبدالله. ۱۳۸۶. "مطالعه تطبیقی موافقت‌نامه تجارت و همکاری ایران و اتحادیه اروپا با موافقت‌نامه‌های مشابه آن اتحادیه"، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۴۳، تابستان، صص: ۶۳-۹۱.

سامانی، عزیزا... ۱۳۸۳. **روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا ۱۳۸۳-۱۳۶۸ (دوران هاشمی و خاتمی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

عباسی اشلقی. ۱۳۸۸. "مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره هشتم، صص: ۲۳۵-۲۶۶.

عباسی، مجید. ۱۳۹۲. "نقش حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا"، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال دوم، شماره ۵، تابستان، صص: ۴۲-۹.

عبدخدایی، مجتبی. ۱۳۸۹. مسئله حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپایی، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و چهارم، شماره ۲، تابستان، صص: ۵۱۵-۵۴۴.

فلاحی، علی. ۱۳۸۲. "توافق‌نامه تجارت و همکاری ایران-اتحادیه اروپا (TCA)"، در: **کتاب اروپا ۲**، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.

کیوان حسینی، اصغر و محمدرضا شیخی مفرد و محمدرضا چیت‌سازیان. ۱۳۹۲. "چگونگی اثربخشی مقوله نقض حقوق بشر در روابط اروپا و چین"، **فصلنامه روابط خارجی**، سال پنجم، شماره دوم، صص: ۳۷-۶۱.

گلشن پژوه، محمودرضا و خطیبی، زهره. ۱۳۸۶. "نگاهی به سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر"، **پژوهش‌نامه حقوق بشر**، شماره اول، تابستان، صص: ۴۱-۵۶.

گلشن پژوه، محمودرضا. ۱۳۹۰. "حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران"، در: بهزاد احمدی لفورکی، **کتاب اروپا (۱۰)**، تهران: موسسه ابزار معاصر تهران.

موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. ۱۳۸۲. **آسیب‌شناسی روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا**، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

یاری، بهروز. ۱۳۸۲. "اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران: چالش حقوق بشر"، در: **کتاب اروپا ۲**، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.

- Alston, Philip. 2000. **European Union and Human Rights**, Oxford: Oxford University Press.
- Bergenäs, Johan. 2010. "The European Union's Evolving Engagement with Iran, two Steps Forward, one Step Back", **Nonproliferation Review**, Vol. 17, No. 3, pp. 491-512.
- Commission of the European Communities**. 2001. "EU Relations with the Islamic Republic of Iran", Brussels, February 7, 2001.
- Council of the European Union**. 2003. "General Affairs and External Relations", Luxembourg, 16 June 2003.
- Dadandish, Parvin. 2012. "Iran-Europe Relations: A Diagnostic Analysis", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 3, No. 1, pp. 57-88.
- "Declaration Concerning Human Rights, 28/29 June 1991"**. 1993. EPC Bulletin, Doc. 91/194, 1991, Vol. 7, Luxembourg, No. 46, p. 324.
- Drenou, Anastasia Th. 2008. "Iran: Caught Between European Union-United States Rivalry?", in: Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, **Iran's Foreign Policy: From Khatami to Ahmadinejad**, Ithaca Press.
- European Council**. 1992. "Conclusions of the Presidency", December 12, 1992, Articles 15-17.
- Gasiorowski, Mark. 2007. "The New Aggressiveness in Iran's Foreign Policy", **Middle East Policy**, Vol. XIV, No. 2.
- Halliday, Fred. 1994. "An Elusive normalization: Western Europe and the Iranian revolution", **Middle East Journal**, Vol. 48, No. 2, pp. 309-326.
- Hatamzadeh, Aziz and Samoudi, Alireza. 2012. "Iran in Transatlantic Interactions", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 3, No. 3, pp. 145-172.
- International Trade Centre**. 2016. Trade statistics for international business development, available in: http://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx.
- Kaussler, Bernd. 2008. "European Union Constructive Engagement with Iran (2000-2004): An Exercise in Conditional Human Rights Diplomacy", **Iranian Studies**, Vol. 41, No. 3, pp. 269-295.
- Kaussler, Bernd. 2012. "From Engagement to Containment: EU-Iran Relations and the Nuclear Programme, 1992-2011", **Journal of Balkan and**



Near Eastern Studies, Vol. 14, No. 1, pp. 53-76.

Leser, Leviten. 2012. Weapons Exports: EU Nations Sell the Most Arms to Saudi Arabia, **Der Spiegel**, No.12.

Moshaver, ziba. 2003. "Revolution, Theocratic Leadership and Iran's Foreign Policy", **The Review of International Affairs**, Vol.3, No.2, pp.283 - 305.

Mousavian, Seyyed Hossein. 2008. Iran-Europe Relations: Challenges and opportunities, Routledge.

Sabet-Saeidi, Shahriar. 2008. "Iranian-European Relations: A Strategic Partnership?", in: Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, **Iran's Foreign Policy: From Khatami to Ahmadinejad**, Ithaca Press.

Posch, Walter. 2006. "The EU and Iran: A Tangled Web of Negotiations", in: Walter Posch, ed., **Iranian Challenges**, Chaillot Paper, No. 89, Paris: European Union, Institute for Security Studies.

Posch, Walter. 2007. "The European Union and Iran: What Next?", **The International Spectator: Italian Journal of International Affairs**, 42: 4, 537-543.

Struwe, M. V. 1998. "The policy of "critical dialogue": an analysis of European human rights policy towards Iran from 1992 to 1997", Working Paper. **University of Durham, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies**.

Velluti, Samantha. 2016. "The Promotion and Integration of Human Rights in EU External Trade Relations" **Utrecht Journal of International and European Law**, 32 (83), pp.41-68.

